

مخازن نفتی خاور میانه تا چه میزان قابل اطمینان هستند؟

هدی پناهی نژاد

نفت ناشی از حوادثی که در بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۴ در خاورمیانه رخ داده است را نشان می‌دهد.

با وجود عوامل بالقوه ایجاد ناپایداری در منطقه، هنوز هم کشورهای خاورمیانه و خصوصاً خلیج فارس، اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان نفت در بازار جهانی محسوب می‌شوند. اما در واقع اغلب عواملی که در دهه اخیر منجر به اختلال عرضه نفت شده‌اند، توسط اعضاء غیر خاورمیانه‌ای اوپک شکل گرفته‌اند (بجز مورد حمله آمریکا به عراق). اعتصابات در ونزوئلا، حملات به تأسیسات نفتی نیجریه و یا روابط پرتنش با کشورهای واردکننده گاز مثل مورد روسیه برخی از این موارد هستند. اختلال در عرضه سایر کشورها در اثر مشکلات تکنیکی، طوفان و مسائل آب و هوایی را نیز می‌توان به این لیست افزود. با وجود ۴۴ مورد قطع عرضه نفت ناشی از عواملی در خارج از منطقه خاورمیانه که در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ اتفاق افتاده است، تاسف‌آور است که هنوز هم مسئله شوک نفتی ۱۹۷۳ و تحریم نفتی اعراب، نقطه تمرکز مقوله امنیت عرضه نفت است و گویی برخی نمی‌خواهند باور کنند که این مورد بیشتر از اینکه یک قاعده در عرضه نفت منطقه بوده باشد یک استثناء بوده است.

گزارش زیر خلاصه مقاله آقای "بسام فتوح" با همین عنوان می‌باشد که در مجله اینترنتی موسسه مطالعات انرژی اکسفورد به چاپ رسیده است. آقای فتوح مقاله دیگری را تحت عنوان "افسانه سلاح نفت ایران" در سال جاری در همین مجله به چاپ رساند. با توجه به این دو مقاله، به نظر می‌رسد که نویسنده توان تأثیرگذاری نیروهای منطقه و به خصوص ایران را کم‌رنگ نشان داده است. اما مقاله مذکور به علت داشتن نگاهی متفاوت نسبت به امنیت انرژی در خاورمیانه دارای نکات قابل تأملی است:

در طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، کاهش قیمت نفت و بالا بودن ظرفیت‌های مازاد تولید، از اهمیت مسئله امنیت انرژی کاسته بود اما با افزایش شدید قیمت‌های نفت، احتمال حملات تروریستی، ناپایداری در اغلب کشورهای صادرکننده نفت و اوج‌گیری موج "ملی‌سازی نفتی"، مقوله امنیت عرضه انرژی مجدداً مورد توجه جدی قرار گرفته است. دانستن اینکه بخش اعظم ذخایر نفتی جهان در خاورمیانه واقع شده است، ما را به شناخت عوامل تعیین‌کننده امنیت این منطقه ترغیب می‌کند. جدول زیر موارد اختلال در عرضه جهانی

جدول ۱. اختلالات در عرضه جهانی نفت از منطقه خاورمیانه (۱۹۵۱-۲۰۰۴)

شرح	تاریخ اختلال (سال)	مدت زمان کاهش عرضه (ماه)	دانش‌آوردان عرضه
۱۳ - ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۲	۲۲	۷	نشر سهمی صاعقه نفتی ایران در اول ماه می که منتهی به محدودی‌انگشت در انزول است همواره داشت
۱۶ - ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۷	۲	۲	جنگ کال-مبور
۱۳ - ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷	۳	۷	مخازن کم برای سوخت هواپیما - سوریه - حملات اولیه به عراق
۱۶ - ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۸	۲	۲	جنگ صومالی - عرب و اسرائیل
۱۵ - ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۱	۹	۱۳	هدان بر سر قیمت نفت در آسیا - حصار بستن خط لوله Tappan
۱۴ - ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲	۳	۶	مداخله برای طوفان گرد و غبار در منطقه خاورمیانه
۱۳ - ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴	۲	۳	بالایی در ایران - حصار بستن به انگلستان - سوخت برای عراق
۱۶ - ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴	۲	۶	جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳ - تحریم نفتی اعراب
۱۵ - ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۷	۲	۳	حکام و خطی در عمان - قطع صادرات عراق
۱۶ - ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸	۱	۷	تعمیرات خطوط نفتی عراق
۱۶ - ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹	۶	۳	اختلال بران
۱۰ - ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱	۳	۳	تأثیر جنگ بین ایران و عراق
۱۰ - ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲	۱۲	-	تعمیرات در خط لوله فارس
۱۳ - ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴	دوره	۱	جنگ عراق و ادامه مداخله با نفتی



سیاسی حاکم بر منطقه تا به حال از بسیاری از چالش‌ها جان سالم به در برده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به چالش‌هایی مانند مشکلات اسد در سوریه، مبارک در مصر، قذافی در لیبی، ملک حسین در اردن، زین العابدین بن علی در تونس، صالح در یمن و یا اعتصابات پراکنده توسط شیعیان در دهه ۸۰ در عربستان اشاره کرد. البته یکی از عوامل اساسی نگرانی غرب، اوج‌گیری موج اسلام‌گرایی رادیکال، احساسات ضد غربی و اثر بالقوه آن بر روابط با غرب در صورت قدرت‌گیری اسلام‌گرایان رادیکال در حکومت می‌باشد. با وجود عدم رخداد وقایع خونین در منطقه، گذشته نمی‌تواند آینه مناسبی برای آینده باشد و ممکن است منطقه با انقلاب‌های خونین روبه‌رو شود ولی تنها نکته مهم تغییر و یا عدم تغییر در سیاست نفتی یک دولت جدید است. البته احتمال برقراری تحریم علیه دولت‌های جدید، ناآرامی‌های اجتماعی و تغییر در ساخت اجتماعی که همگی بر محیط سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی اثرگذارند را نیز نباید نادیده گرفت.

۱-۳- حملات تروریستی به تاسیسات نفتی: شاید یکی

از مهم‌ترین حملات تروریستی در دهه گذشته، انفجار یک قایق پر از مواد منفجره جهت انهدام یک نفتکش بسیار بزرگ (VLCC) در لیمبورگ باشد که توسط اعضای القاعده جهت تهدید خطوط بین‌المللی حمل نفت خام انجام گرفت. علی‌رغم اینکه موارد دیگری از این دست برای عربستان نیز رخ داده است ولی باید گفت که حملات تروریستی معمولاً بر بخش‌هایی از تاسیسات نفتی اثر می‌گذارد که به آسانی قابل تعمیر بوده و تنها توقف موقتی را ایجاد می‌کنند و تاسیسات اصلی در کشورهایی چون عربستان، تحت تمهیدات شدید امنیتی قرار دارند. با این وجود، حملات تروریستی بر علیه خطوط لوله، عمدتاً اثرات روانی داشته و منجر به افزایش قیمت نفت می‌شود.

۱-۴- سلاح نفت - محدود کردن صادرات نفتی: تصور

اینکه کشورهای صادرکننده نفت ابزاری در دست دارند که هرگاه اراده کنند می‌توانند از آن جهت وارد آوردن فشار به هر کشور واردکننده نفت استفاده کنند، بسیار ساده‌انگارانه است. سلاح نفتی را نمی‌توان در مورد یک یا گروهی از کشورها بکار گرفت زیرا سایرین به آسانی می‌توانند نفت را خریداری و به این کشورها بفرشند، بنابراین برای ایجاد شوک اثرگذار در بازار باید کل عرضه جهانی نفت کاهش یابد و ادار کردن سایر تولیدکنندگان به کاهش تولید به هیچ‌عنوان کار ساده‌ای نیست. علاوه بر این در چنین شرایطی باید منتظر عکس‌العمل کشورهای واردکننده نفت در جهت کاهش تقاضا از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق بر روی منابع جایگزین انرژی یا سرمایه‌گذاری ایشان در سایر کشورهای دارای ذخائر نفتی بود.

۱-۵- بستن گلوگاه‌های انتقال نفت: سالانه بیش از

۷۹ میلیارد تن محصولات نفتی (۶۲ درصد) از طریق مسیرهای دریایی منتقل می‌شوند و دو گلوگاه تنگه مالاکا و تنگه هرمز، با عبور روزانه ۳۰ میلیون بشکه نفت، از اهمیت استراتژیک برخوردارند. در تعارضات میان ایران و آمریکا، ززمه‌هایی از سوی ایران جهت بستن تنگه هرمز مطرح

وابستگی به نفت در کنار اجتناب‌ناپذیری اختلال در عرضه، پایه مسائل مربوط به امنیت عرضه را می‌سازد. منظور نویسنده از امنیت عرضه، تأمین شرایطی است که در آن حوادث یا وقایع بالقوه قادر به قطع عرضه نفت نباشند. به همین منظور نویسنده عواملی را که می‌توانند به کاهش امنیت عرضه نفت خاور میانه بیانجامند، به ترتیب زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱. عوامل ژئوپولیتیک اثرگذار بر امنیت خاورمیانه

۱-۱- جنگ و تعارضات: علی‌رغم از بین رفتن احتمال وقوع جنگ بین اعراب و اسرائیل پس از انعقاد توافقنامه میان اردن و مصر و اسرائیل و غیرمحمتمل بودن وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل و یا بین ایران و اعراب، احتمال وقوع جنگ میان ایران و آمریکا و سرایت کردن تعارضات سنی و شیعه از عراق به سایر مناطق، هنوز منتفی نشده است. جنگ اثر دوگانه‌ای بر عرضه نفت می‌گذارد: از یک سو، قابلیت تولید و صادرات یک کشور را در میان مدت و بلندمدت محدود می‌کند و از سوی دیگر موجب کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی و در نتیجه کاهش ظرفیت تولید در بلندمدت می‌شود.

۱-۲- بی‌ثباتی سیاسی، اسلام‌گرایی و احساسات ضد استعماری: در این رابطه مهم‌ترین موضوع از دید محققان، اختلال در عرضه بلندمدت به علت سقوط نظام‌های حاکم از طریق کودتای نظامی و یا انقلاب اجتماعی می‌باشد. ولی حقیقت اینست که نظام‌های

میان دولت‌ها و شرکت‌های ملی نفت در کشورهای نفتی و محدودیت‌های بودجه‌ای موجب عدم تأمین بودجه سرمایه‌ای و عدم اجرای پروژه‌های جدید در شرکت‌های ملی نفت شده است.

۴-۵- سرمایه بر بودن صنعت نفت و حجم بالای سرمایه مورد نیاز در پروژه‌های نفتی در کنار نوسانات پرحاشیه قیمت نفت، منجر به دشواری تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری شده است.

علاوه بر این از آنجا که شرکت‌های ملی نفت معمولاً تا از امنیت تقاضای اطمینان حاصل نکنند به سراغ ایجاد اضافه ظرفیت نمی‌روند؛ این اضافه ظرفیت نسبت به آنچه در دهه ۸۰ وجود داشت؛ کاهش یافته است و ظرفیت‌های مازاد موجود نیز عمدتاً از نفت خام‌های سنگین تشکیل شده است که پالایش آن دشوارتر است.

۳. تغییر در سیاست نفتی کشورهای صادرکننده

تصمیمات اوپک در زمینه تغییر در سهمیه اعضا، معمولاً در پاسخ به شرایط ضعیف بازار اعمال می‌شوند و کاهش تولید نه ابزاری برای محدود کردن جریان نفت و دستیابی به اهداف سیاسی بلکه وسیله‌ای برای مدیریت بازار نفت است. پایین بودن قیمت نفت در طولانی مدت می‌تواند موجب بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای صادرکننده و در نهایت به مخاطره افتادن امنیت عرضه انرژی جهان شود. بنابراین، دنبال کردن سیاست کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه توسط کشورهای صنعتی امری غیر واقعی، پرهزینه و همراه با اثرات سوء بر ظرفیت تولید بوده است چرا که:

۱. موارد اختلال در عرضه نفت منطقه که از مسائل سیاسی نشأت گرفته باشند، بیشتر استثنا بوده است تا قاعده
۲. کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه، به معنای وابستگی بیشتر به سایر کشورهای نفتخیز است که آنها نیز مصون از ناامنی و بی‌ثباتی نمی‌باشند.
۳. سیاست‌هایی که با هدف کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه دنبال می‌شوند؛ با ایجاد احساس ناامنی در کشورهای تولیدکننده منجر به عدم سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های جدید می‌شود و می‌تواند اثرات معکوسی را برای کشور مصرف‌کننده به همراه داشته باشد. به نظر نگارنده، مقاله مذکور، با رویکردی متفاوت به بررسی عوامل برهم‌زننده امنیت منطقه خاورمیانه پرداخته و اگرچه نویسنده مقاله با کم‌اهمیت جلوه دادن توان‌آثیرگذاری نیروهای داخل منطقه، در مورد قدرت دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا بزرگنمایی کرده است اما تأکید نویسنده بر بی‌اثر بودن رویکرد نظامی در تأمین امنیت عرضه انرژی با توجه به نقش مداخله‌گرانه نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین بی‌پایه دانستن سیاست دولت بوش مبنی بر کاهش اتکای آمریکا به نفت خاورمیانه، قابل توجه می‌باشد.

شده است که قابل تحقق بنظر نمی‌رسد و برای ایران اثرات زیان‌بار و بلندمدت اقتصادی، سیاسی و نظامی را به همراه خواهد داشت.

۱-۶- تحریم از جانب کشورهای مصرف‌کننده: برخلاف آنکه کشورهای تولیدکننده نمی‌توانند کشور خاصی را هدف تحریم قرار دهند، اما کشورهای مصرف‌کننده قادر به کنار گذاشتن یک تولیدکننده خاص می‌باشند. البته تحریم از طرف یک کشور مصرف‌کننده خاص مانند آمریکا، می‌تواند اثرگذاری بسیار کمتری نسبت به تحریم مجامعی چون سازمان ملل داشته باشد زیرا حالت اخیر می‌تواند از طریق محدود کردن سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی بر ظرفیت تولید نیز اثر منفی بگذارد.

جدول ۲. جمع‌بندی

رویداد	احتمال	اثرات بر مصرف‌کننده	اثرات بر تولیدکننده
جنگ میان ایران و اسرائیل	کم	کاهش تولید	کاهش تولید
مداخلات سیاسی، اقتصادی و نظامی	کم	کاهش تولید	کاهش تولید
تحریم‌های دولتی	کم	کاهش تولید	کاهش تولید
محدودسازی صادرات	کم	کاهش تولید	کاهش تولید
تحریم‌های مالی	کم	کاهش تولید	کاهش تولید
تحریم	کم	کاهش تولید	کاهش تولید

هر یک از موارد بالا با احتساب احتمال وقوع و میزان اثرگذاری آن بر عرضه جهانی و ظرفیت تولید، در جدول زیر آورده شده است.

۲. سرمایه‌گذاری در نفت خاورمیانه و تاثیر آن بر امنیت انرژی

در کنار عوامل سیاسی، فقدان سرمایه‌گذاری کافی در بخش نفت نیز می‌تواند منجر به کاهش عرضه شود. با توجه به این که بخش اعظم ذخایر نفت جهان در خاورمیانه قرار دارند، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. IEA، پیش‌بینی می‌کند که سهم منطقه MENA از تولید نفت جهان از ۳۵ درصد در ۲۰۰۴ به ۴۴ درصد در سال ۲۰۳۰ برسد و در این بین چهار کشور عراق، کویت، امارات و لیبی محور این افزایش ظرفیت خواهند بود. در گذشته عوامل بسیاری منجر به عدم جذابیت سرمایه‌گذاری در ایجاد مازاد ظرفیت شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱-۲- رکود صنعت نفت و کاهش جذابیت گزینه‌های سرمایه‌گذاری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به علت وجود ظرفیت مازاد تولید
- ۲-۲- مسائل ژئوپولیتیکی مانند جنگ ایران و عراق، اشغال کویت توسط عراق و تهاجم آمریکا به عراق که بی‌ثباتی و ناامنی را با خود به ارمغان آورده و مانع سرمایه‌گذاری شده است.
- ۲-۳- تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، لیبی و (قبلاً) عراق
- ۲-۴- نوع روابط بین مالکین و بهره‌برداران از منابع طبیعی یعنی